

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۷۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱ تیر ۱۳۹۰، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

این انقلابات

سه پیام مهم را به جهانیان داد!

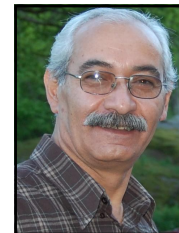


محمدامین کمانجر

قانون بنیادی در تکامل بشر چنین حکم می کند که هر جا ظلم و ستم و دیکتاتوری باشد آنجا مقاومت وجود دارد و بالاخره تعرض اجتماعی مردم است که سر بلند می کند. تعرض به نظامی که نه بر مبنای خواسته ها و نیازهای انسان بنا شده است بلکه پول و سرمایه را خدای مطلق و بلامنازع قرار داده است. تعرض انسانهایی که مشتاقانه در پی بوجود آوردن جامعه ای بهتر، انسانی، آزاد، شاد و مرفه هستند و خواهان در هم کوبیدن نظام گنبدیده و دست و پاگیر امروز هستند. در زندگی انسان همیشه نوعی ضرورت و اجبار موجود است این ضرورت در زندگی اجتماعی بشر به نیروی مادی عظیمی تبدیل می گردد تا قانون و مناسبات کهن را تغییر دهد. هم اکنون انقلابات شمال آفریقا و

خاورمیانه در عمل دارد به این مسئله جواب می دهد و عمق ضرورتها را آشکار کرد، ذهنیت خود و جهان را تغییر داد و ذهنیت جهان را بسوی انقلاب بر گرداند. چندین دهه است که طبقات حاکم و رسانه های وابسته به آنها و روشنفکران و مبلغین و مروجین در کمپ طبقات حاکم تعرض و انقلاب مردم را به نام خشونت و حمله به اموال مردم تعریف و تبلیغ میکنند!؟ (بزعم آنان حمله به صفحه ۶

کار و فعالیت جوانان در محلات



عبدال گلپریان

و موفق و هدفمند در میان مردم در محلات، قبل از هر چیز تشکیل گروههای جوانان و یا جمعهای جوانان ابزاری مهمی برای تحقق حرکت اعتراضی مردم در محلات است.

جمع یا گروههای جوانان محلات

تشکیل جمع یا گروه جوانان در محلات قطعا کار فعالین با تجربه و کار کشته ای است که طی سالهای گذشته و در کوران مبارزه ای که تا کنون بپیش برده اند و به شخصیتهای قابل اعتماد و با اتوریته در میان مردم محلات

و حصری را به مردم تحمیل کرده است و بخشهای مختلف مردم هر روز نسبت به فلاکتی که دامنگیرشان شده است دارند اعتراض می کنند، نقش جوانان محلات بعنوان بخشی از نیروی اعتراضی مردم که در صف اول هر مبارزه ای در محلات، دانشگاه و خیابان حضور دارند اهمیت صد چندان پیدا می کند. جوانان ستون اصلی فعالیت در محلات هستند. اهالی محلات مختلف در هر شهری چشم امیدشان به تلاش و فعالیت جوانان پرشور و مبارزی است که در پیشاپیش مبارزات روزمره شان حضور فعالی دارند. برای پیش برد اعتراض و مبارزه ای سازمانیافته،

کار در محلات عرصه بسیار مهمی از فعالیت جوانان در محلات است. بارها در این مورد و به مناسبتهای مختلف به جوانب مختلف کار در محلات اشاره کرده ایم. در این بخش نیز به جنبه های دیگری بطورکنکرت تر که به کار و وظایف جوانان در محلات مربوط است می پردازیم. در شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی حاضر که رژیم اسلامی فقر و فشار بی حد

صفحه ۲

۳۰ خرداد ۶۰ گفتگوی رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

صفحه ۴

اعتصاب ۴۰۰ نفر از کارگران سد داریان باوه

صفحه ۳

صدور حکم یک سال زندان تعلیقی برای خالد حسینی

صفحه ۳

احضار و بازجویی اسکندر لطفی، عضو انجمن صنفی معلمان کردستان

صفحه ۳

۱۲ تن از فعالین کارگری سندج محاکمه شدند

صفحه ۳

۴۰۰۰ کارگر کشت و صنعت کارون شوشر دست به اعتصاب زدند

صفحه ۵



حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ کار و فعالیت جوانان ...

تبدیل شده اند می باشد. در شرایط پر تحول سیاسی و انقلابی دوره کنونی و در هر جایی، چنین طیفی از فعالین در محلات هستند که می توانند گروه یا جمعهای جوانان محلات را بر بستر حرکت اعتراضی مردم بطور طبیعی و واقعی تشکیل دهند و آنرا برای پیش برد هر حرکت اعتراضی و به شکلی سازمان یافته و موثر بکار گیرند.

موضوع یا موضوعات مطرح در گروه یا جمعهای جوانان محلات چیزی نیست بجز مسایل و معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روزمره ای که زندگی مردم را به تباهی کشانیده است و اگر این جمعها قرار است کاری صورت دهند این است که ساکنین و اهالی محلات را حول این معضلات متشکل و متحد کرده و نسبت به فلاکتی که حکومت اسلامی و نهادهای ضد بشری اش به مردم تحمیل کرده اند اعتراض و مبارزه ای هدفمند و کارساز را به پیش ببرند. این جمعها می توانند بر سر مسایل مختلف روز صحبت و برنامه ریزی کرده و نتایج تصمیمات خود را با در نظر گرفتن موضوعات مطرح در هر محله و شهری به مرحله اجرا بگذارند.

یکی از مهمترین کارهایی که این روزها مسئله و مشغله شبانروزی مردم است، مسئله نپرداختن قبض های گاز، آب و برق است. گروههای جوانان محلات می توانند بطور متمرکز روی این مسئله و در سطح گسترده ای که بتوانند تمامی محلات یک شهر را بهم ببافند کار کنند. تا آنجایی که یکجا مردم محلات یک شهر متحدانه و یکدست در کارزار کمپین نپرداختن قبضها شرکت داشته و به نهادهای رژیم هیچ باجی نپردازند.

حرکت اعتراضی مردم در نپرداختن مبالغ نجومی و خانه خراب کن قبضها امروز دیگر چندان موضوع جدیدی نیست. ماههاست که مردم در شهرها و روستاهای سراسر کشور در اعتراض به چپاول چندین برابر دسترنج مردم توسط رژیم، اقدام به نپرداختن قبضها کرده اند اما آنچه که بر بستر این مبارزه اهمیت دارد این است که جمع یا گروههای جوانان محلات

همانطوریکه تاکنون در پیشبرد این مبارزه نقش ایفا کرده اند لازم است که کمپین نپرداختن قبضها را نه در یک یا چند محله بلکه گره زدن کامل یک شهر بهم دیگر را در امر نپرداختن قبضها را به مرحله ای از یک همدلی متحدانه ارتقا دهند که نهادهای رژیم نتوانند برای چاپیدن دسترنج مردم آنان را مورد فشار و اذیت و آزار قرار دهند. این کار شدنی است و می توان آنرا در ابعادی وسیع و گسترده تر به پیش برد. این مسئله تلاش سازمان یافته جوانان پرشور و انقلابی محلات را می طلبد. به هر اندازه توانسته باشیم عده کثیری از مردم محلات یک شهر را بطور متحدانه در نپرداختن قبضها سازمان دهیم، به همان نسبت توانسته ایم یکی از عرصه های بسیار مهم زندگی اقتصادی مردم را که توسط حکومت اسلامی مورد تهاجم قرار گرفته است به عقب برانیم. ایستادگی توده هر چه وسیع تری از مردم در مقابل نپرداختن قبضها، دستاورد مهمی در مبارزه روزمره علیه رژیم اسلامی است. چنین تلاش و چنین اقدامی نتایج بسیار مهمتری را در مبارزه و اعتراض جاری مردم در محلات و در سطح هر شهری بعنوان یک دستاورد مبارزاتی ببار خواهد آورد. این نتایج عبارت است از: متحد شدن مردم در سطح شهر، بالا رفتن روحیه مبارزاتی آنان برای اعتراضات دیگر در مقابل هر گونه تعرضی که از سوی رژیم به مردم صورت بگیرد، بالا رفتن اعتبار و اتوریته گروهها و جمعهای جوانان محلات در میان مردم و بلاخره ایجاد هماهنگی و همدلی در میان جوانان محلات در سطح یک شهر و غیره. گروههای جوانان می توانند و باید بطور مستمر بر امر نپرداختن قبضها در میان مردم تبلیغ کنند. با شعار نویسی بر در و دیوار، با پخش تراکت و با ایجاد فضایی بحث بر انگیز در میان مردم، مرتب بر روی این مسئله تاکید کنند. گسترش و میلیونی کردن هر چه بیشتر این مسئله، عرصه بسیار مهمی در بخاک مالیدن پوزه حاکمان و آیت اله های دزد و میلیاردری است که زندگی مردم را بخاک سیاه نشانده اند. پایین تر به مسئله تبلیغات در

این خصوص اشاره خواهیم کرد.

نقش زنان در کار در محلات

زنان بعنوان نیمی از جامعه در طول حاکمیت سیاه رژیم اسلامی مورد شدیدترین تعرضات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته اند. قوانین، فرهنگ و سنتهای اسلامی بیش از سه دهه است که زنان را از حقوق ابتدایی و اولیه خود محروم کرده است. قوانین این حکومت زن را همچون انسان برسمیت نمی شناسد. اما طی حاکمیت از گور برخاسته گان اسلامی تا به امروز، زنان دمی از مبارزه علیه توحش اسلامی ساکت ننشسته اند. از این رو معترض ترین بخش جامعه علیه حکومت اسلامی زنان هستند که همراه با مردان آزادیخواه و برابری طلب اعتراض و مبارزه شورانگیزی را علیه حکومت اسلامی دارند بیش می برند. نقش زنان در هماهنگی و ارتباط با گروههای جوانان در محلات می تواند توان مبارزاتی مردم در محلات و در سطح یک شهر را چندین برابر قدرتمندتر کند و افزایش دهد. هیچ بخشی از مردم در جامعه ایران یافت نمی شود که به نحوی از انجا مورد هجوم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اوباشان حکومت اسلامی قرار نگرفته باشد. بنابراین ایجاد هماهنگی، سازماندهی و متحد کردن هر قشر و بخشی از مردم توان اعتراضی و مبارزاتی آنان را بدرجات بسیار زیادی بالا خواهد برد.

جوانان دختر و پسر وظیفه دارند تا با دخیل کردن هر چه بیشتر زنان در کار و فعالیتهای گروههای جوانان محلات در امر سازمان دان زنان در حرکتی اعتراضی و توده ای، به فعالیتی، روشن، هدفمند و آگاهگرانه تر مبادرت ورزند. اهمیت دادن به حضور گسترده زنان در مبارزات روزمره و جاری باید مشغله همیشگی فعالین در جمعهای جوانان باشد. در هر اعتراض و مبارزه ای نظیر شرکت زنان در روز جهانی زن، در تجمع اعتراضی خانواده های کارگران زندانی، در اعتراض و تجمع در مقابل زندانهای حکومت علیه احکام اعدام، در جریان زیر پا گذاشتن موازین مبارزه با بد حجابی و غیره توسط زنان، همگی اینها

کویدن میخهای محکمی بر تابوت رژیم اسلامی بوده است و باید این اعتراضات را تقویت کرد. وحشت و هراس رژیم اسلامی از حضور زنان در اعتراض و مبارزه علیه قوانین ضد زن و کل نظامشان بر کسی پوشیده نیست. اینها و فاکتهای بیشتری از این دست اهمیت نقش زنان در مبارزه علیه حکومت اسلامی را بخوبی نشان میدهد و فعالین محلات می توانند در امر سازماندهی کار زنان در محلات بطور جدی به این مسئله توجه ویژه ای نشان دهند. جمعهای جوانان محلات با بهره گیری از راهکارهای مختلف و سبک و شیوه های مدرن و جدید، حضور و دخالت بیشتر زنان را ممکن سازند. شاخص به موفقیت رسانیدن یک حرکت اعتراضی در محلات یا در سطح شهر این است که به چه اندازه نیروی توده ای وسیعی بویژه شرکت و حضور زنان در آن تامین شده باشد. قدرت جوانان در محلات بدون گرد آوردن این نیرو حول هر حرکت اعتراضی، کاری بیهوده و قابل ضربه خوردن است. قدرت و توان مبارزاتی هر جنبش اعتراضی این است که توده های بیشتری را متحدانه و یکدست در آن اعتراض معین به میدان آورده باشد.

اهمیت کار تبلیغی سیاسی. پخش تراکت و شعار نویسی و تأثیر بر فضای سیاسی شهر

فعالیتهای اجتماعی متنوعی در هر شهر و محله ای موضوعیت روزانه دارد. هیچ مسئله ای در زندگی مردم یک محله یا یک شهر وجود ندارد که رنگ اعتراض و ناراضیتهای در اوضاع سیاسی جاری را بر خود نداشته باشد. کار تبلیغی و سیاسی حول مسایل و معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می تواند حرکت یا اعتراضی را شکل دهد. مثلاً بنا به فضای اعتراضی در یک محله یا چند محله حول نپرداختن قبضها که امروز بسیار مطرح و درد و رنج آحاد مردم است، کار تبلیغی در محلات و پخش تراکت و شعار نویسی حول آن می تواند تاثیر بسزایی بر فضای سیاسی شهر بگذارد و اعتراضات بیشتری نسبت به نپرداختن قبضها را در صفتی متحد و یکدست و در تمام محلات یک شهر را در بر بگیرد که در چنین حالتی و با همه گیر شدن

توده هرچه وسیعتری از مردم در دادن پاسخ دندان شکن به دزدی و چپاول رژیم از هستی و دسترنج مردم، این حرکت قطعاً به موفقیت منجر می شود که در بسیاری موارد چنین موفقیتهایی بدست آمده است اما هنوز کافی نیست و باید از این فراتر رفت و این یعنی فتح سنگری مهم در مبارزه روزمره مردم علیه دست درازی رژیم به سطح زندگی و معیشت شان. در واقع کار تبلیغی حول مسایل مطرح و روزمره در محلات یا در یک شهر آن اندازه اهمیت دارد که مسئله و معضل مطرح اجتماعی مورد نظر را می تواند در روز یا روزهایی به اقدام عملی حرکت اعتراضی مردم در خنثی ساختن تعرضات رژیم و نهادهایش منجر سازد. کار تبلیغی مسئله ای تنها مختص به یک موضوع یا یک مقطع معین نیست بلکه فعالین جمعهای محلات امر کار تبلیغی برایشان موضوعی روتین و همیشگی پیرامون هر معضل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در محلات، در مراکز خرید، در تاکسی و اتوبوس، در مهمانی ها و در هر مناسبت دیگری و بحث و همنظری حول آن است و تعطیل بردار نیست اما آنجا که به یک موضوع مشخص و حاد در روز و زمان معینی مربوط می گردد، تبلیغات، شعار نویسی و پخش تراکت حول آن مسئله مشخص می تواند در صدر تبلیغات سیاسی فعالین گروههای جوانان قرار داشته باشد.

اهمیت گزارش، خبر و انعکاس اجتماعی فعالیتها

طی دوره های مختلف و در سالهای گذشته فعالیتهای پرشور و چشمگیری توسط جوانان محلات و در میان مردم انجام گرفته است که قطعاً بدون این فعالیتها، اعتراض و مبارزه امروز در محلات در موفقیت برتر فعلی نمی توانست قرار بگیرد. از تجمع مردم در مقابل زندانهای رژیم، در مقابل استانداری و دیگر نهادهای رژیم در شهرهای کردستان بویژه در شهر سنندج، تا اعتراض مردم نسبت به دست درازی ماموران سرکوبگرش در مورد قوانین ارتجاعی اش بنام مبارزه با بد حجابی، تعرض به کسب و کار

۳۰ خرداد ۶۰ گفتگوی رادیو انترناسیونال با منصور حکمت



در این مصاحبه که در تاریخ ۲۳ خرداد ۷۹ انجام شده، منصور حکمت به تاریخ پیدایش و شکل گیری حکومت جمهوری اسلامی می پردازد. خواندن این اثر با ارزش را به نسل جدید که با این تاریخ آشنایی کمتری دارد توصیه می کنیم. ایسکرا

بیست سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰ گفتگو با رادیو انترناسیونال ۲۳ خرداد ۱۳۷۹

رادیو انترناسیونال: اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست خوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید:

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه‌گذارها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می‌چسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملاً با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل

کردید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت: بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زندهای از آن دوران ندارند، حتماً آن تاریخ را بازبینی کنند) میبیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش، با شکنجههایش پی‌اچ‌استند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیتهای سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه‌ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروتهای انبوه. مردم علیه اینها پیاختند، برای برابری، برای آزادی از جنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مترجع، علیه مدنیت، علیه حقوق مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه‌ای از جامعه ایران بود، پر و بال می‌گیرد. یکی از شخصیت‌های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق

تبعید بود را برمی‌دارند و به پاریس می‌برند و زیر نورافکن می‌گذارند. از آن وقت رسانه‌ها و دولتهای غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلت‌رناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند بالاخره ژنرال هوپز از طرف دولت آمریکا می‌آید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی می‌گیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در رویی نظامی شکست میدهند. اما ماحصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

تشبیهت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ فاصله‌ای است که در آن نیروها و دولتهای دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت می‌گیرد.

منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ می‌گذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست... یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعاً سرکوب کند، هر چند چماقداری هست، چاقو کشی هست،

اسلامی‌گری هست. خلخالی همان موقع برای رژیم جلادی میکند، با این وجود رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلای مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند احزاب سیاسی از همه جا سر درمی‌آوردند، کتابهای مارکس و لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراها کارگری بوجود می‌آیند، سازمانهای مختلف زنان بوجود می‌آیند، موج اعتراضی بالا می‌گیرد. تا اینکه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که یک کودتای خونین ضد انقلابی-اسلامی صورت می‌گیرد هجوم می‌آوردند و روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامه‌ها را می‌بندند و مخالفینشان را تار و مار میکنند. این آن پدیدهای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ فاصله‌ای است که در آن نیروها و دولتهای دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت می‌گیرد.

خوب است یادآوری کنم که اعدامهای حکومت اسلامی اساساً از روی لیست کسانی بود که در رژیم شاه به زندان افتاده بودند. کسی که در رژیم شاه دو ماه حبس گرفته بود در حکومت اسلامی اعدام شد همان کسانی را زند و کشتند که رژیم شاه میخواست بزند و بکشد و نمیتوانست...

رادیو انترناسیونال: یعنی جمهوری اسلامی کار سرکوب انقلاب را که شاه از پس آن برنیامد، تمام کرد و در واقع از مردمی که علیه رژیم شاه انقلاب کرده بودند انتقام گرفت. ولی چطور توانست اینکار را انجام دهد؟ چون تا همان دیروز ۳۰ خرداد روزنامه‌های چپی بودند، تظاهرات

انجام میشد، و علیرغم دستگیریها و جنگ و جدال با چماقدارها، آزادی وجود داشت. ۳۰ خرداد چه ویژگی داشت که حکومت اسلامی توانست خود را تحکیم کند و جنبش انقلابی دیگر نتوانست سر بلند کند؟

منصور حکمت: این يك کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد. مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف برو خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلانی خطایش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، می‌گرفتند می‌بردند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان میشنینند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل‌کشی در رواندا، به مراتب وحشتناکتر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدیهای مهم انسانی قرن بیست است. زند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین‌ترین و پرشورترین آزادیخواهترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

از صفحه ۴ ۳۰ خرداد ۶۰ گفتگوی ...

۴۰۰۰ کارگر کشت و صنعت کارون شوشر دست به اعتصاب زدند



طبق گزارشی که به حزب

رسیده است روز شنبه ۲۱ خرداد ۴۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشر دست به اعتصاب زدند که تا ساعت ۱۱ روز دوشنبه ۲۳ خرداد ادامه یافت. طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزد دو خواست مهم کارگران بود.

روز سوم اعتصاب، کارگران معترض با وعده مدیر عامل و مسئولین حراست! موقتاً بسر کار برگشتند. لازم به توضیح است که روز اول ماه مه امسال نیز کارگران با همین خواست دست به اعتصاب زدند که با قول پیگیری مدیرعامل شرکت به اعتصاب خود پایان دادند. در پی این اعتصاب طی دو ماه اخیر یعنی اردیبهشت و خرداد هر ماه علاوه بر دستمزد مبلغ یکصد هزار تومان علی الحساب به کارگران و سایر کارکنان رسمی شرکت پرداخت شده است.

حزب کمونیست کارگری از خواست کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشر قاطعانه حمایت میکند و کارگران را به برگزاری مجمع عمومی، اتحاد و یکپارچگی و پیگیری خواست خود تا تحقق کامل آن فرامیخواند.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۸ خرداد ۱۳۹۰
۱۸ جون ۲۰۱۱

نقش داشته‌اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی
شماره ۸
۲۵ خرداد ۱۳۸۰
۱۵ ژوئن ۲۰۰۱

خودی و غیرخودی را تعریف میکند. از صفحه ۴ که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهم‌ترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی‌ها با بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پولهایشان را بردارند و بروند لس‌آنجلس. سر و کار بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه‌های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میدانند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتوانند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

راديو انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری يك کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جانب‌خاستگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

منصور حکمت: فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست، ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول يك جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلساند، در کابینه‌اند، رئیس قوه قضائیه‌اند، رهبرند، رئیس ارتش‌اند، سران سپاه پاسداران‌اند. نبرد با اینها ادامه

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل‌کشی در رواندا، به مراتب وحشتناکتر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و ترازدیه‌های مهم انسانی قرن بیست است. زدند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین‌ترین و پرشورترین و آزادیخواه‌ترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگهدارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاششان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سر پا نگاه دارند.

راديو انترناسیونال: آیا میشود گفت که به این ترتیب دوم خردادیها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت: ابد! دوم خردادیها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادیها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکند، البته بعدها در دادگاههایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکند. الان کاری نمیکند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که

راديو انترناسیونال: رهبران جمهوری اسلامی که الان بجان هم افتاده‌اند، در آن موقع، همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظورم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دوی خردادیها را اسم ببرم... بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دوی خرداد است، حجاریان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون آمدند و الان بجان هم افتاده‌اند؟

منصور حکمت: جناح‌بندی همان موقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح‌بندی که الان میبینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی‌ها در صف مقدم حکومت بودند. صف‌بندی‌ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دوی خرداد است، خود اولین قربانی خط

امامی‌هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دوی خرداد هستند دولت آتموقع دست این خط امامی‌ها بود. منظورم کابینه است همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دوی خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافلی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده‌اند و دموکرات شده‌اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نسبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنهای. این دولت اینها بود خمینی، که اسمش باید بعنوان يك مرتجع جلا و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود، در رأس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند. فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند،



www.hekmat.public-archive.net
www.wpiran.org

از صفحه ۱ این انقلابات سه پیام مهم ...

مراکز سرکوب، ساختار، سیستم و نظم و نسق حاکمیت گویا اموال مردم هستند.) اما انقلابات اخیر پرده کذب و دروغینی که بورژوازی بر زندگی اجتماعی مردم کشیده بود و آنرا در قالب روابط اجتماعی تقویت می کرد از هم پاره کرد.

این خیزشهای شورانگیز سبک و سنتی را بر حرکتهای سیاسی اجتماعی جامعه آشکار کرد که مبلغین و مروجین حاکمان، سالها علیه اش گفته و نوشته بودند. اما روابط متضاد طبقاتی و اختناق که در آن جوامع وجود داشت گرایش توده ها را به سمت انقلاب هدایت کرد به آن سستی که بورژوازی از آن وحشت دارد و حتی از بیان کردن واژه آن در هراس بود.

این طوفان کاخهای دیکتاتورهای منطقه را به لرزه در آورده است. بی جهت نبود که کامرون نخست وزیر انگلستان گلویش را پاره می کرد و می گفت که مردم مصر دمکراسی می خواهند و خواهان انقلاب نیستند یا رهبران آمریکا این اوضاع را چنین تصویر می کردند "انتقال تدریجی منظم و مسالمت آمیز به دمکراسی" و اواما این انقلابات را دنیای جدید با خواسته های جدید می خواند.

این انقلابات دقیقاً نقطه حساس جامعه بورژوازی را زد و در زیر این درد شدید آنها اعتراف کردند که این انقلاب است و بر ترهای پوسیده، و عوامفربانه شان خط بطلان کشیدند.

انقلاباتی که در سال ۸۸ ایران

وهم اکنون در شمال آفریقا و خاور میانه در جریان است به یمن تلاش انسانهای شریفی که توانستند در اشکال مختلف این مبارزات برحق و انسانی را پوشش دهند به سراسر جهان مخابره شد، تبلیغات دروغین بورژوازی را آشکار کرد، انقلاب و اسم انقلاب را در جهان برای دوره ای دیگر همه معادلاتشان را بهم ریخت و بورژوازی را مجبور کرد بر اساس شرایط جدید اوضاع جامعه را تحلیل و تعریف کند و به دست نشانده های خود توصیه کرد تا اوضاع عمیق تر و حاد تر نشده است رفم هایی را به حراج بگذارند یا از مسند قدرت کناره گیری نمایند.

این انقلابات عصر نوینی را در تاریخ شمال آفریقا و جهان آغاز نموده است و عصر وحشت از دیکتاتوریهها را بسر رساند و دگرگونیهای سیاسی اجتماعی ای که در تاریخ این منطقه آغاز گشته است از موارد کم نظیر و بی سابقه ای در تاریخ معاصر بوده است. مخصوصاً امروزه که زمان مصادفها و فرصتهای عظیم برای پیروزیها و تحولات انقلابی در مقیاس جهانی است. این انقلابات سه پیام بزرگ را به گوش جهانیان رساند.

اول: مسئله بسیار مهم این است که توده عظیم و سازمان نیافته مردم به خود اعتماد کردند و به این باور رسیدند که کلید تغییر جامعه در دست آنهاست و ثابت کردند که می توانند قدرت را تغییر دهند و عملاً نیز تغییر دادند.

دوم: همه دیکتاتورها و پادشاهان و رئیس جمهورهای مادام

العمر، شیخهای خود گمارده به این مسئله پی بردند که دنیا وارد مرحله ای دیگر شده است. دوران طلایی آنان بسر رسیده و دوران سکوت و هراس مردم پایان پذیرفته است. دیگر نمی توانند به دور جامعه که مردم را در آن زیر یوغ سرمایه و سرکوب به بند کشیده بودند حصار بکشند و دور از چشم جهانیان به فساد و جنایت ادامه دهند. بعضی از رهبران این کشورها قبل از وزیدن طوفان انقلاب برای اینکه چند صباحی دیگر در مسند قدرت باقی بمانند در نهایت استیصال و درماندگی به مردم انقلابی وعده و وعید میدهند، پارلمانها را ملغی می کنند و سر کیسه ها را دارند شل می کنند اما مسئله اصلی این است که برای مردمی که خواهان انقلاب هستند در واقع این شروعی برای برپایی یک حکومت انسانی و متمدنانه است.

سوم: این اوضاع معادلات جهان را عوض کرد. همه نظریه پردازان و حامیان غربی حکومتهای دیکتاتور به وحشت افتادند که چگونه این انقلابات آنها را غافلگیر کرد. در شروع این انقلابها از دیکتاتورهای دست نشانده خود دفاع می کردند از جمله آمریکا در اوائل انقلاب مصر بیانیه ای صادر نمود و از دیکتاتور مصر جهت ماندن در مسند قدرت دفاع کرد. خواستند انقلاب را به اشکال مختلف در نطفه خفه کنند، اما طوفان انقلابات در منطقه مسیروحرت را عوض کرد و آنها عملاً دریافتند که سرکوب و بستن فضای سیاسی بیش از این قادر به پیشبرد و پیشروی سیاستهایشان در این جوامع نیست. جهان وارد دور جدیدی شده است و مردم به دنبال آزادی، رفاه، شادی و یک زندگی مدرن هستند. زمان بر نمی گردد. انقلابات پیش می روند و تداوم می یابند. خواسته ها و مطالبات مردم در میدان التحریر قاهره را در مشتهای گره کرده و مطالبات کارگران و جوانان یونان و اسپانیا داریم می بینیم.

زنده باد انقلاب
زنده باد انسانیت.
۱۹ ژوئن ۲۰۱۱

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!